

نخستین جشنواره ملی صنایع خلاق فرهنگی عالم آل محمد(ص)

امروز آغاز می‌شود

ارسال ۸۰۰ اثر با محوریت تقویت گفتمان زیارت



آیین اختتامیه نخستین جشنواره ملی صنایع خلاق فرهنگی عالم آل محمد^(ص) هشتم و نهم اسفندماه امسال همراه با برپایی نمایشگاه آثار برگزیده جشنواره، تجلیل از برگزیدگان و حضور مهمانان و چهره های علمی، فرهنگی و هنری در مشهد برگزار می‌شود. نشست خبری «نخستین جشنواره ملی صنایع خلاق فرهنگی عالم آل محمد^(ص)» با حضور خبرنگاران و اصحاب رسانه روزگذشته در سالن شهید چمران دانشگاه بین المللی امام رضا^(ع) برگزار شد.

- امتداد اجتماعی زیارت و تقویت اقتصاد فرهنگ و هنر

رئیس دانشگاه بین المللی امام رضا^(ع) در این نشست با بیان اینکه هشتصد اثر در قالب رویدادهای منطقه‌ای داوری و ارزیابی شده‌اند، بیان کرد: در مرحله اول داوری و ارزیابی آثار اسالی، بررسی قابلیت فراگیری آثار در محوره‌های پنج‌گانه جشنواره توسط دبیر علمی و هنری جشنواره انجام شد و از میان هشتصد اثر دریافتی، چهارصد اثر به مرحله دوم راه یافتند.

به‌گفته این مقام مسئول، امتداد اجتماعی زیارت و تقویت گفتمان زیارت، ارتقای معنایی زیارت در جامعه و تقویت اقتصاد فرهنگ و هنر ازجمله اهداف برگزاری جشنواره ملی صنایع خلاق فرهنگی عالم آل محمد^(ص) است و اقتصاد فرهنگ و هنر مبتنی بر سیره و سنت رضوی مهم‌ترین ابزار برای جریان سازی و گفتمان سازی امتداد اجتماعی زیارت است.

وی توسعه و ترویج فرهنگ و اندیشه رضوی با دو رویکرد سبک زندگی رضوی، خدمت‌رسانی کریمانه، توسعه وقف و نذر و سوغات فرهنگی زائر نامحورهای این جشنواره برشمرد وافزود: بافراخوان صورت‌گرفته از همه علاقه‌مندان و هنرمندان دعوت شد تاآثارو ایده‌هایشان را در۹ حوزه مهم فناوری های فرهنگی ونرم ازجمله «بازی های ویدئویی و موبایلی»، «ایده های نوآورانه در هنرهای دبداری و شنیداری»، «بازی، اسباب بازی و سرگرمی»، «واقعیت افزوده، مجازی و ترکیبی»، «نرم افزارهای کاربردی»، «ایده های خلاقانه طراحی و معماری اسلامی»، «صنایع دستی و هنرهای کاربردی»، «ایده های نوآورانه در بسته بندی، چاپ و نشر» و «مد و پوشاک» به جشنواره بفرستند.

- برگزاری ۶ رویداد در شهرهای بزرگ کشور

دکتر رجوعی با اشاره به برگزاری شش رویداد در شهرهای تهران، شیراز، تبریز، قم، اصفهان و مشهد بیان کرد: درنخستین جشنواره صنایع خلاق فرهنگی عالم آل محمد^(ص) علاوه بر مشهد مقدس، در پنج شهر بزرگ کشور رویدادهای منطقه ای با همکاری پارک های علم و فناوری، حوزه هنری و دانشگاه های مختلف برگزار شد.

دکتر قاسم صادقی بجستانی، دبیر علمی نخستین جشنواره صنایع خلاق فرهنگی عالم آل محمد^(ص)، گفت: این جشنواره به همت دانشگاه بین المللی امام رضا^(ع) و سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی و با همکاری مؤسسه آفرینش های هنری در دو بخش عمومی و دانش آموزی تدارک دیده شد.

- هنر: زیان امتداد اجتماعی زیارت

محمدجواد استادی، دبیر هنری نخستین جشنواره ملی صنایع خلاق فرهنگی عالم آل محمد^(ص)، دیگر سخنران این نشست خبری، موضوع امتداد اجتماعی زیارت را یکی از سیاست های اصلی سازمان علمی وفرهنگی معرفی کردوگفت: امتداد اجتماعی زیارت بدین معناست که همه آورده های زیارت به شکل ملموس در زندگی نه تنها قشری که مستقیم به زیارت می آید، بلکه همه آحاد جامعه چه مسلمان و غیرمسلمانان جریان بخشیده شود. وی هنر را زیان امتداد اجتماعی زیارت بیان کرد و گفت: هنر می تواند مفهوم زیارت را در زندگی همه افراد در طبقات و مذاهب مختلف جریان ببخشد. ازاین رو، توجه ویژه ای به هنر در آستان قدس رضوی شده است.

به‌گفته دبیر هنری نخستین جشنواره ملی صنایع خلاق فرهنگی عالم آل محمد^(ص)، این جشنواره تلفیقی از دانش، نوآوری و هنر است و تلفیق این سه ضلع می‌تواند کمک کند تا شعار محوری امتداد زیارت تحقق ببخشیده شود.

- تقویت سوغات زائر مشهد با هویت زیارت

به‌گفته رئیس فضای مجازی، هنر و رسانه دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، باید سوغات شهر مشهد با هویت فرهنگی این شهر مقدس که زیارت است در اقصی نقاط جهان گسترش یابد و تلاش شود تا در آینده نزدیک سلیقه مخاطب در سوغات زائر مشهد تغییر یابد.

وی افزود: از لحاظ معنایی باید هویت زیارتی مشهد را به صورت غیرمستقیم در سوغات زائر تقویت کنیم و برای هنرمندان و تولیدکنندگان داخلی زمینه حضور فعال در این عرصه را فراهم کنیم.

مردی برای تمام فصول

هم زمان با دومین سالگرد درگذشت سید محسن مصطفی زاده از کتاب «آسیدمحسن» رونمایی شد



از درگذشت او، مراسم رونمایی از فیلمی در یکی از سینماها در حال برگزاری بود و خاطرم هست به دلیل نامناسب بودن فضا به لحاظ حجاب برخی از خانم‌ها، گفت‌آب و هوایینجا مناسب نیست. او تحمل فضاهایی را که با اعتقاداش در تضاد بود نداشت. یکی دیگر از خصیصه های او عشق به ایران بود. مجاهدتش برای کشور بی نظیر بود. او عاشق انقلاب بود و در مواجهه با تهمت ها و حرف های نامربوط به شدت آزرده خاطر می شد. به شدت دلسوز بود. چندین مرتبه فقط با من تماس گرفت برای حل مشکلات هنرمندان و اهالی فرهنگ. این دلسوزی او را محبوب کرده بود و به همین دلیل، خانه و کتابخانه اش مامن و پناهی بود برای افرادی که به آرامش یا مشورت نیاز داشتند.»

- یک پیشنهاد برای شهرداری

بعد از صحبت های رئیس کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمد برومند، نویسنده و کارگردان تئاتر، از میان حضار برخاست و پیشنهادی را خطاب به رئیس اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح کرد. او گفت: «پیشنهاد می‌دهم خانه مرحوم سیدمحسن مصطفی‌زاده در شهرک ابوذراز طریق شهرداری خریده شود تا محلی شود برای راه اندازی موزه تئاتر خراسان.»

- احترام به آزادی و آزاده زندگی کردن

در انتها، یکی از فرزندان این هنرمند مشهدی، ضمن تشکر از دست‌اندرکاران این برنامه گفت: «این تقدیر و تشکرها بابت یادبود بزرگداشت انسانی خودساخته است و بزرگداشتی برای انقلابی و ولایی بودن او. اگر همه این ها را بشود در یک جمله خلاصه کرد باید بگویم بزرگداشت استاد یعنی احترام به آزادی و آزاده زندگی کردن.»

رونمایی از کتاب «آسیدمحسن» و شعرخوانی شاعران، بخش های دیگری از این مراسم را تشکیل داد. حسین امینی، رئیس سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، ابراهیم رز، ساز، مدیرکل کانون پرورش فکری خراسان رضوی، ماشاء...، شاهمادی، بازیگر خراسانی، محمد ملتجی، پیشکسوت تئاتر مشهد نیز از جمله حاضران در این برنامه بودند.



این برنامه دقایقی به صحبت پرداخت. او از این گفت که مصطفی زاده را به درستی شاعر و فیلسوف و سخنور می‌دانند اما در نهایت آنچه باعث می‌شود او را آدم خوبی بدانیم، فقط یک دلیل دارد: «آدم خوب کسی است که آزارش به دیگران نرسد. محسن مصطفی زاده با همه این تعاریف درست و دقیق، اگر آزارش به کسی می‌رسید دیگر آدم خوبی نبود. من شهادت می‌دهم مصطفی زاده آدم خوبی بود. او همه آنچه گفتیم بود فراتر از همه این‌ها و آزارش به کسی نرسید.»

- دومین اثر از مجموعه شخصیت نگاری تئاتر مشهد حمیدرضا سهیلی، نویسنده کتاب نیز از این گفت که «آسیدمحسن»، دومین اثر اوست که در حوزه شخصیت نگاری عرصه تئاتر به چاپ رسیده و منتشر شده است؛ «این اثر دومین مجموعه از سلسله کتاب هایی است که به شخصیت نگاری تئاتر مشهد اختصاص پیدا کرده است. اولین اثر، درباره سید کمال علوی است که با عنوان «آسیدکمال» منتشر شد. بنا دارم این روند تکریم از هنرمندان تئاتر مشهد را با چاپ کتاب های دیگر نیز ادامه بدهم. آثار دیگری را با همین محوریت نیز در دست کار دارم.» او همچنین در دل نوشته ای که برای مرحوم مصطفی زاده خواند از این گفت که: «دو سال نبودنت به ما موخت که قدر بدانیم و خیلی زود دیر می‌شود و یأس و ملال هجران بر دل می‌ماند.»

- او عاشق ایران بود

در بخش پایانی این مراسم رونمایی، محمد حسین زاده، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی، به برخی از بارزترین ویژگی های این هنرمند اشاره کرد و گفت: «در نشست و برخاست ها، ویژگی هایی از او دیدم و اموختم. یکی، علاقه او به امام رضا^(ع) بود، می‌گفت هر جا گیر کردی از او کمک بخواه. عشق به دین و علمای دین خصوصا استادانش، یکی دیگر از ویژگی های او بود. سید محسن مصطفی زاده، حتی استاد رسمی دستگیری او را جزئی از حمله به شهدای مدافع حرم دفن شده است و هرکه به مزار شهدای می‌رود به مقبره او نیز می‌رسد. او همچنین نسبت به دین و شرع حساس بود. دوسه شب پیش

زن ها دوره اش کردند و به او تبریک گفتند. مادر در بغل زن ها اشک شوق می ریخت و مبهوت از واقعه انجام یافته بود. آقا جان به سمت او آمد و گفت: اشرف بانو زیارت قبول. بالاخره شقای پسرمون رو از امام رضا^(ع) گرفتی. تا عمر داریم مدیون اقاییم. شاید این رخداد روزهای کودکی محسن باعث شد که وی تا آخرین ساعت های عمرش به هر بهانه ای عدد۸ را در همه کارهایش دخیل کند. همه می‌دانند که او عدد۸ را متبرک می‌دانست و در هر جایی و برای هر کاری عدد۸ را وارد زندگی، کار و برنامه هایش می‌کرد.»

- استاد ذوقنور عرصه شعر و تئاتر و فلسفه و عرفان و حدیث علیرضا مهرداد، نویسنده مشهدی، از دیگر افرادی بود که پشت تریبون قرار گفت و به قرأت متنی پرداخت که در این کتاب نوشته و بخشی از آن چنین است: «... استاد چیره دست عرصه شعر و تئاتر و فلسفه و عرفان و حدیث، شادروان استاد سید محسن آقای مصطفی زاده، استاد ذوقنوی بود که در هر کدام از ساحت های فوق دستی داشت. در شعر چنان حاذق بود که از او به عنوان استاد شاعران خراسان یاد می‌شد و فطانت و بلاغت شعرش این را تأیید می‌کند. در فلسفه هم به شاگردی سید جلال الدین آشتیانی، فیلسوف بزرگ شرق، رفته بود و در عرفان و سیروسلوک نزد آیت‌ا... حق شناس، استاد بزرگ اخلاق، تلمذ کرده بود تا آنجا که یکی از شاگردان خصوصی او، معلم اخلاق و رفیق گلشن و گرمابه او بود. در مبارزه علیه طاغوت هم قدم رهبر معظم انقلاب و از پیشکسوتان نهضت امام خمینی ^(ره) به حساب می‌آمد. محدث بود و تعداد زیادی کتاب حدیث تألیف کرده بود. [...] این شاعر فیلسوف عارف در کنار شعر و حال و جذب و خلسه به طور جد به تئاتر و هنر هم پرداخته بود و در عین حال یکی از پیش فراوان اجرای تئاتر بود....»

- خوب بود به یک دلیل: چون آزارش به کسی نرسید

سعید سهیلی، کارگردان سینما و تلویزیون، یکی دیگر از افرادی بود که در

- مردی که نیازهای متعالی را در خود زنده کرد رضا حسینی، نویسنده، کارگردان پیشکسوت تئاتر، اولین فردی بود که در این گردهمایی پشت تریبون رفت و درباره مرحوم مصطفی زاده سخن گفت. او در آغاز صحبت خود به این نکته اشاره کرد که انسان در زیست اجتماعی خود نیازهای اولیه ای دارد که ابتدا در راستای رفع آن‌ها تلاش می‌کند اما، «مشکل از جایی آغاز می‌شود که بیشتر جوامع انسانی در سطح همین نیازهای اولیه متوقف می‌شوند. به این معنا که او ج نیازهای خویش را در دستیابی به امکاناتی چون خانه و ماشین می‌بیند. مشکل اساسی انسان، ماندن در همین سطح است. اما انسان های بزرگ از این مرحله عبور می‌کنند. فرزانگان و فرهیختگان، عمر و سرمایه مالی خود را صرف برآورده کردن نیازهای متعالی خود می‌کنند. درواقع مسئله این است که انسان بفهمد این اتفاق چه زمان باید رخ بدهد و چه موقع باید از این سطح بالاتر برود؟»

این هنرمند مشهدی در بخش دیگری از صحبت هایش درباره مرحوم مصطفی زاده گفت: «او کسی بود که نیازهای متعالی را در خود زنده کرد. در خانه او نیز آنچه خوندنمایی می‌کند مرام عارفانه اوست و کتابخانه شخصی اش. اگر بپذیریم که فلسفه، عرفان، هنر، اسلام و دین، پنج رکن فرهنگ سازی انسان هستند و افرادی که به جهان بینی ویژه خود می‌رسند باید به آن‌ها دست پیدا کنند، سید محسن مصطفی زاده، کسی بود که به همه این حوزه ها اشراف داشت. متأسفانه دریکی دو سال اخیر، چهره های بی‌بدیلی را در هنر خراسان از دست داده ایم. کسانی که برای فرهنگ و هنر این شهر تلاش کردند و ما جایگزینی برای آن‌ها نداریم.

امیدوارم به مباحث پژوهشی بیشتر در

استان ما توجه شود.»

- عده برای او متبرک بود

در ادامه برنامه، عباس جانفدا، از هنرمندان عرصه تئاتر مشهد، به قرأت بخشی از کتاب «آسیدمحسن» پرداخت که درباره رمز ارادت او به عده بود: «... ساعتی بعد مادر از حرم برگشت. همه

درباره شعر «مرثیه» آنا آخمتووا به مناسبت سالروز درگذشت این شاعر

تاج سنگی شعرهای زنی ستم‌دیده

از نوشتن برندااشت «همانند بسیاری از نویسندگان آن دوره به نوشتن ادامه می‌داد منتها برای کنشوی می‌رز.»

با آغاز دوره وحشت استالینی و تصفیه بزرگ یعنی در سال ۱۹۳۴، پسرش «لیف» که تازه به سن قانونی رسیده بود به اتهاماتی واهی و پوچ دستگیر شد. در این دوران بازار محاکمه‌ها و دادگاه‌های نمایشی داغ‌ترین دوران خود را سپری می‌کرد و بازجویان و شکنجه‌گران به جان مردم افتاده بودند و اعتراف‌های ساختگی می‌گرفتند. پسر آنا که در ۱۹۳۵ آزاد شده بود دوباره در ۱۹۳۸ دستگیر و به اردوگاه فرستاده شد.

از جایی به بعد دیگر نوشتن برای کنشوی میز هم خطرناک بود، چون ممکن بود نیمه شب به در بکوبند و همه شهروندان شوروی صداموخته شده و خوب می‌دانستند «آن که بر در می‌کوبد شباهنگام،» درخیم است. این بود که بخش غیرفرمایشی ادبیات شوروی قرن‌ها به عقب- به پیش از اختراع خط و سنت مکتوب کردن- بازگشت و شاعران شعرهایشان را به‌حافظه خود وامید حفظ در حافظه چند آشنای خودی می‌سپردند. آنا آخمتووا هم از همین دسته بود. «از شعرهای بسیاری که در این فاصله زمانی سروده بود تنها اندکی برجای مانده بود که آن‌ها هم از سر اتفاق از نابودی در امان مانده بودند، مثل شعرهایی که خود شاعر یا دوستان نزدیکش به خاطر سپرده بودند. برخی از این شعرها را خود شاعر در بدترین ایام وحشت سوزانده بود.»^۱ پس از پایان جنگ جهانی دوم، فشار بر آخمتووا بیشتر شد. از مضحک‌ترین اتهاماتی که به‌او وارد می‌کردند این بود که در شعرهایش جنگ رانج و مصیبتی برای مردم توصیف می‌کرد نه آن‌گونه که استالین آن را «مکتبی برای آزمایش توانایی مردم شوروی» می‌دانست.

همین اتهام وقتی بار شد روی ماجرای اعدام همسر اول و دستگیری پسرش، باعث شد آخمتووا از اتحادیه نویسندگان اخراج شود. در شوروی اخراج از اتحادیه نویسندگان به این معنی بود که شاعر یا نویسنده دیگر نمی‌توانست آثارش را چاپ و منتشر کند.

و برای کسی مانند آخمتووا که نوشتن و سرودن حرفه‌اش بود اپس از آن‌که نشریات و مجله‌ها مدت‌ها بایود

رادمنش
درنگ
زیستن در روسیه پس‌انقلابی به هیچ وجه کاری ساده نبود، اما زندگی از وقتی برای آنا آخمتووا به طور غیرمعمول سخت‌شد که همسر او لشی، نیکلای گومیلیوف در سال ۱۹۲۱ به عنوان ضد انقلاب محکوم و اعدام شد. حاکمان شوروی و دستگاه تبلیغاتی انحصاری بسیار بر کار و تان‌اندازه زیادی موفقشان دست به تغییر و تحریف کلمه‌ها زدند. آن‌ها مخالفان و منتقدان خود را نه مجرم سیاسی، که ذیل عنوان «دشمن مردم» یا «دشمن خلق» قرار می‌دادند. آن‌ها با این کار هم به افکار عمومی جهت می‌دادند، هم ناآگاهان و توده مردم را همراه خود می‌کردند. هم کلماتی دهان پر کن به سرسپرندگان خود می‌دادند که بتوانند با تکرار طوطی وار آن از حزب حاکم دفاع کنند و هم دهان کسانی را می‌بستند که کجی ای در ترازوی عدالت می‌دیدند و مهم‌تر از همه، دستگاه امنیتی و قضایی روسیه با شوروی با دست‌اویز قرار دادن و استفاده از این عنوان مجرمانه از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کردند. پیدا بی حد و مرز.
در جامعه ای با چنین نظام سیاسی بی رحم، تمامیت خواه، بی منطق و به دور از عقلانیتی، هر گونه ارتباط سببی و نسبی با «دشمن مردم» برابر بود با اتهامی باقوه و بهانه‌ای برای آزار و اذیت. محرومیت از حقوق اجتماعی مانند داشتن شغل و حق آراء تحصیل، حبس، فرستادن شهروندان بی‌گناه به اردوگاه‌های کار اجباری و خلاصه انواع کارهایی که می‌تواند زندگی را به آدم زهر کند.

از سال ۱۹۲۲ و پس از اعدام همسر آنا آخمتووا هیچ سردبیری جرئت نداشت آثار او را که در آن زمان شاعری شناخته شده بود، چاپ کند. اما ناآدست

نوشته‌های او را چاپ نمی‌کردند) منع انتشار اشعارش (که محرومیت از حقوق اولیه اجتماعی‌اش هم بود) دو رنج عظیم داشت، یکی شکنجه روحی بیهوده سربایی که نفرین شاعری است که شعرهایش خوانده نشود، دیگری گذران کردن بی درآمد و در تنگنا. پسرش که دوباره آزاد شده بود در ۱۹۴۹ برای بار سوم دستگیر شد و این بار حکمی شاق تر؛ ۱۵ سال اردوگاه کار اجباری و تبعید. «هیچ اتهامی برای او ذکر نشد، حتی اسناد رسمی دستگیری او را جزئی از حمله به آخمتووا وانمود می‌کند.»^۲ اقدامی فقط برای تحت فشار قرار دادن آخمتووا، «تو پسر من و وحشت منی»^۳ چه یک مادر را -هر چند زنی جگرآور باشد- به زانو می‌اندازد؟ در این دوران مجموعه شعری از او با عنوان «در ستایش صلح» منتشر شد که بسیار ضعیف بود و؛ هر نویسنده اجیر شده حزبی نیز می‌توانست آن را نوشته باشد. «^۴ امید به رحمت حکومت هیولایی استالین بیهوده بود. این کار کوچک‌ترین تأثیری در بیهودی وضعیت پسرش نداشت.

ماه‌ها، از جمله در زمستان‌های زمهریر روسیه پشت در زندان لنینگراد، در صفی میان صدها مادر یا همسر دیگر سر درگریبان و گه‌نام منتظر ایستاد به امید گرفتن خبری از پسرش یا رساندن بسته‌ای به او. و در همین صف بود که عاقبت فشارهای بیش از دوده‌ها باعث شد یکی از مهم‌ترین شعرهای او از پبله سر برآورد؛ مرثیه «مرثیه‌ای حماسی برای روسیه گرفتار و وحشت» بود... «^۵ روکنیم [یا مرثیه] یک‌اوج بود، به یک معنا تاج سنگی ساختمان آثار آخمتووا تا زمان تصنیف خود بود.»^۶ آخمتووا در درآمد و مقدمه‌ای که بر این شعر نوشته، ماجرای خلق شدن آن را توضیح داده است: «در سال‌های هولناک «وحشت یژوف» هفده ماه در سر زندان لنینگراد ایستادم. در یکی از این روزها کسی مرا شناخت. سپید زنی با لب‌هایی کبود از سرما. که پشت سر من ایستاده بود و البته تا آن دقیقه نامی از من نشنیده بود. یک لحظه از حالت کرخت خود که همگی در آن بودیم درآمد و در گوشم نجوا کرد (انجا همه به نجوا سخن می‌گفتیم)،

^[1] بندهای از شعر «مرثیه» به برگردان فارسی احمد اخوت دانستم که چگونه چهره‌ها شل می‌شوند چگونه ترس از زیر پلک‌ها دزدانه سرک می‌خشد چگونه رنج خطوط میخی خود را بر گونه حک می‌کند و موهای سیاه و جوغندی یک باره نقره‌ای می‌شوند و لبخند بر لب‌های متغفل می‌خشکد و عرشه ترس یوزخند را می‌خشکاند. تنها نه برای خود برای همه کسانی که با من بودند دعا کردم

منابع

۱.۴۰۲.۱. آنا آخمتووا، سام درایور، ترجمه محمد مختاری.

انتشارات کهکشان، چاپ اول ۱۳۷۵

۲. بندی از شعر «مرثیه»، آنا آخمتووا

۳. آنا آخمتووا، نوشته یوسیف برودسکی، ترجمه محبوبه مهاجر، از شناخته‌امه آنا آخمتووا به کوشش علی دهباشی